

## شاخص های تمدن نوین اسلامی در اندیشه قرآنی آیت الله خامنه ای

حبیب زمانی محجوب<sup>۱</sup>

### چکیده

تمدن نوین اسلامی مهم ترین آرمان انقلاب اسلامی است. قرآن کریم در آیات متعدد شاخص هایی را برای جامعه آرمانی بشر بر شمرده است. از سوی دیگر آیت الله خامنه ای، با طرح نظریه تمدن نوین اسلامی شاخص هایی را برای این تمدن بر شمرده است که مبتنی بر همان آیات قرآن در مورد جامعه آرمانی بشر است. این مقاله با مراجعه به اندیشه های قرآنی آیت الله خامنه ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی، و با استفاده از روش توصیفی تحلیلی در پی پاسخ به این سوال اساسی است که شاخص های تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت الله خامنه ای کدام است؟ هدف از انجام این پژوهش تبیین مبنای قرآنی شاخص های تمدن نوین اسلامی در اندیشه رهبری است. یافته های تحقیق نشان می دهد شاخص هایی که آیت الله خامنه ای برای جامعه پیشرفته و متمدن ذکر می کند برگرفته از آیات قرآن و اندیشه های قرآنی ایشان است که مهم ترین این شاخص ها عبارتند از: دین و ایمان، کرامت و عزت انسانها، مکارم اخلاقی، نظم و قانونمداری، اتحاد و انسجام، عدالت اجتماعی، آزادی، پیشرفت اقتصادی و پیشرفت علمی.

واژگان کلیدی: تمدن نوین اسلامی، آیت الله خامنه ای، قرآن، دین اسلام.

---

<sup>۱</sup>. دانشیار تاریخ و تمدن اسلامی پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق علیه السلام؛ zamani1358@gmail.com

## مقدمه

تمدن نوین اسلامی اصطلاحی نوپدید، ولی پربسامد است که اقبال و توجه برخی پژوهشگران علوم انسانی و اسلامی و اندیشمندان جهان اسلام را در پی داشته است؛ در این میان، اندیشه‌های امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای تأثیر انکارناپذیری در شکل‌گیری و رشد گفتمان تمدنی در ایران و کشورهای اسلامی داشته است.

بیانات امام خمینی در مورد تمدن بیشتر ناظر به نفی تمدن غرب و تبیین توانمندی دین اسلام برای تمدن سازی است (ر.ک. زمانی محجوب، ۱۳۹۵)؛ در حالی که آیت الله خامنه‌ای با طرح ایده «تمدن نوین اسلامی» به عنوان مقصد و مطلوب آرمانی انقلاب اسلامی، به طور مفصل به تبیین ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های آن پرداخت؛ چنانکه می‌توان گفت دال مرکزی مواضع، دیدگاه‌ها و بیانات رهبر معظم انقلاب «تمدن نوین اسلامی» است.

در ارزیابی تمدنی انقلاب اسلامی، باید تمدن را از نو شناخت و شاخص‌های آن را از نو فهرست کرد. ضرورت این امر تا بدانجاست که بی‌توجهی به آن باعث می‌شود مفهوم تمدن و نیز شاخص‌های تمدنی در کشور ما نیز مانند سایر جوامع، از امر انسانی به امر مادی تقلیل یافته و از امور باطنی به امور ظاهری تنزل پیدا کند. لذا در مسئله تحقیق این است که شاخص‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه قرآنی مقام معظم رهبری کدام اند؟

در مورد پیشینه تحقیق لازم به ذکر است با توجه به اقبال اندیشمندان و محققان نسبت به موضوع تمدن نوین اسلامی در چند سال اخیر، در این باره کتاب‌ها و مقالات متعددی تدوین شده است که در بسیاری از آنها به مؤلفه‌ها و شاخص‌های تمدن نوین اسلامی نیز اشاراتی شده است. در جدول ذیل برخی از این کتابها و مقالات مهم معرفی شده‌اند.

جدول پیشینه تحقیق

| نویسنده                      | عنوان                           | نتیجه و یافته                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                         |
|------------------------------|---------------------------------|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| به اهتمام نجمه نجم<br>(۱۴۰۳) | کتاب درآمدی بر تفسیر تمدنی قرآن | این کتاب حاصل نشست‌های علمی تعدادی از پژوهشگران و استادان تمدنی و قرآنی در موضوع قرآن و تمدن است که در ده گفتار در این کتاب گردآوری شده است و عبارتند از:<br>۱. استنطاق تمدنی از آیات قرآن (محمدعلی مهدوی راد)<br>۲. درآمدی بر معنای تفسیر تمدنی (محمدتقی سبحانی)<br>۳. مقدمه‌ای درباره تفسیر تمدنی (محمدعلی مهدوی راد)<br>۴. روش‌های تفسیر تمدنی (عبدالکریم حجت پور) |

|  |                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                       |                                                                                                                         |
|--|-----------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
|  | <p>۵. مدل کشف و استخراج داده های تمدنی قرآنی (سعید بهشتی)</p> <p>۶. روش شناسی تفسیر تمدنی از قرآن (احمد مبلغی)</p> <p>۷. قرآن و خطاب گفتمانی اجتماعی با رویکرد تمدنی (محمدعلی میرزایی)</p> <p>۸. طرحواره بازنمایی تمدن در قرآن (محسن الویری)</p> <p>۹. مرجعیت قرآن و موضوع تمدن (محمدعلی میرزایی)</p> <p>۱۰. امکان نظریه پردازی تحول تاریخی تمدنی با سوره بقره (احمد آکوچکیان)</p>                                    | <p>گفتارهایی از اندیشه<br/>ورزان قرآنی-تمدنی</p>                                                                        |
|  | <p>۱. فرزاندگی در پس معرفت و شناخت حقیقت هستی</p> <p>۲. فرزاندگی در پس ایمان و فلسفه زندگی</p> <p>۳. فرزاندگی در پس ارزش ها و منش های فرهنگی و اخلاقی</p> <p>۴. فرزاندگی در پس قلمرو مناسبات اجتماعی</p> <p>۵. فرزاندگی در پس اقتدار ظاهری و تمکن مالی</p>                                                                                                                                                            | <p>محمدباقر<br/>سعیدی روشن<br/>(۱۳۹۳)</p> <p>مقاله «شاخص های<br/>تمدن اسلامی بر<br/>مبنای آموزه های<br/>قرآن کریم»</p>  |
|  | <p>۱. قرآن مداری</p> <p>۲. ایمان</p> <p>۳. عقلانیت و خردورزی</p> <p>۴. مجاهدت علمی</p> <p>۵. توجه به عقل عملی و اخلاق</p> <p>۶. مردم سالاری</p> <p>۷. عدالت اجتماعی</p> <p>۸. توجه توأمان به دنیا و آخرت</p> <p>۹. تقویت روحیه ایمان و عنصر ایثار</p> <p>۱۰. آزاداندیشی</p> <p>۱۱. خودباروی و پرهیز از تقلید</p> <p>۱۲. نوگرایی</p> <p>۱۳. پیشرفت مادی و توسعه اقتصادی</p> <p>۱۴. اصلاح سبک زندگی</p> <p>۱۵. تفکر</p> | <p>طاهره محسنی<br/>(۱۳۹۹)</p> <p>مقاله: «الزامات قرآنی<br/>تحقق تمدن نوین<br/>اسلامی در اندیشه مقام<br/>معظم رهبری»</p> |
|  | <p>شاخص های توحیدی تمدن در قرآن</p> <p>۱. توحید در غایت</p> <p>۲. تکثر در نمادهای توحیدی</p> <p>۳. حس ایمانی، معنوی و توحیدی شخصیت های کاریزما به غایت مشترک تمدنی</p> <p>شاخص های اخلاقی تمدن در قرآن</p> <p>۱. کنش نیک، واکنشی نیک تر</p> <p>۲. رفع بدی (سیئه) با خوبی (حسنه)</p> <p>شاخص های اجتماعی تمدن در قرآن</p> <p>۱. امر به معروف و نهی از منکر</p>                                                         | <p>حبیب اله بابایی<br/>(۱۴۰۰)</p> <p>مقاله «شاخص های<br/>تمدن (در دو رویکرد<br/>عرفی و قدسی)»</p>                       |

|                   |  |  |
|-------------------|--|--|
| ۲. اصلاح بین مردم |  |  |
| ۳. برادری انسانی  |  |  |
| ۴. تقوا           |  |  |

بررسی پیشینه تحقیق نشان می‌دهد در بیشتر کتاب‌ها و مقالاتی که در مورد شاخص های تمدن نوین اسلامی تدوین شده است، یا شاخص ها تمدنی را از منظر رهبر معظم انقلاب بررسی کرده اند و یا بر مبنای آموزه های قرآنی شاخص های تمدن ساز جامعه مطلوب را احصاء کرده اند. نوآوری این مقاله این است که شاخص های تمدن نوین اسلامی را بر مبنای اندیشه های قرآنی مقام معظم رهبری بررسی کرده است.

## چارچوب مفهومی

### ۱. مفهوم تمدن نوین اسلامی

در بیشتر تعریف‌های لغوی ارائه شده برای واژه «تمدن» نخست، بر دو مقوله شهرنشینی و زندگی شهرنشینانه تأکید شده و مقابل معنایی این واژه بدویت (صحرانشینی) و بربریت (توحش و وحشیگری) معرفی شده است (دهخدا، ۱۳۷۲، ج ۱۵: ۱۴۲). اما در معنای اصطلاحی تمدن به معنای پیشرفت و شکوفایی همه جانبه مادی و معنوی است (خامنه ای، ۱۳۹۲/۲۱/۹).

غربی ها که خود مطالعات تمدنی و تمدن پژوهی را به عنوان یک علم وارد چرخه علوم کردند، تمدن را «توسعه» تعریف کردند و چون خودشان کشورهای توسعه یافته اند، پس بر همین مبنا تنها کشورهای غربی کشورهای متمدن دنیا محسوب می شوند که ذیل تمدن غرب قرار می گیرند و به زعم آنها، بقیه تمدن ها توان ورود به عرصه رقابت تمدنی را ندارند. متأسفانه برداشت غالب از تعریف تمدن در مجامع دانشگاهی ما همین تعریف رایج تمدن در الگوی غربی آن و به معنای «توسعه» است. در جهان امروز، بسیاری توسعه را عبارت از «رشد کمی و کیفی امکانات مادی و رفاه جامعه» می دانند و آن را واقعیتی مادی و ذهنی که در رویکردهای گوناگون زندگی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی آثار مشخصی برجای می گذارد، تعریف می کنند (منصوری، ۱۳۷۴: ۱۳-۱۴) و برپایه همین فهم از معنای توسعه، تمدن و مدنیت را به نمودهای عینی و خارجی آن، مانند ساختمان های عالی و وسایل تسلط بر طبیعت و کاستن از بیماری ها منحصر دانسته اند. ولی چنین برداشتی از معنای توسعه و پیرو آن، از مدنیت انسان ها و جوامع، از نگاهی فروکاسته و تک پسی به

حقیقت انسان ناشی شود؛ چراکه برپایه این برداشت، انسان متمدن به معنای درستکار، منصف و یا راستگو نیست؛ بلکه انسانی است که در زمینه تجارت، کشاورزی، هنر و به صورت کلی در مظاهر عینی تمدن پیشرفت کرده است، و این از نگاه ما نقص بزرگی است؛ چراکه انسان دارای دو جنبه جسم، و روح است؛ نه جسم تنهاست، و نه روح تنها، و در نتیجه چنانچه بخواهد به سعادت زندگی برسد به هر دو کمال و هر دو سعادت نیازمند است؛ هم مادی و هم معنوی (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱: ۳۱۹-۳۲۰).

همچنین، آیا تنها اعتلای روحی و پیشرفت معنوی و اخلاقی را می توان تمدن نامید و جامعه متمدن را جامعه ای صرفاً پیشرفته به لحاظ معنوی و اخلاقی دانست؟ در پاسخ باید گفت خیر! زیرا برون داد این گونه جوامع، چهره ای زشت و بازتاب تصویری کاریکاتوری از آنها خواهد بود. براین اساس، مقصود از تمدن نوین اسلامی «پیشرفت همه جانبه» است (خامنه ای، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳). در مقابل توسعه که معمولاً رشد در حوزه مادی را دنبال می کند، تمدن نوین اسلامی انسان را به سوی کمال معنوی و مادی سوق می دهد.

از دیدگاه آیت الله خامنه ای، تمدن نوین اسلامی، پیشرفتی همه جانبه (مادی و معنوی) است که دارای دو بخش ابزاری (صنعت و فناوری، علم و اختراع) و اصلی (فرهنگ و سبک زندگی) است و هدف آن، تکامل مادی و معنوی انسان، رسیدن به حیات طیبه و تحقق عبودیت و قرب الهی است (خامنه ای، ۱۳۸۹/۰۴/۲۴). ایشان می فرماید: «تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد؛ زندگی خوبی داشته باشد، زندگی عزتمندی داشته باشد، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، دارای اراده، دارای ابتکار، دارای سازندگی جهان طبیعت؛ تمدن اسلامی یعنی این؛ هدف نظام جمهوری اسلامی و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است.» (خامنه ای، ۱۳۹۲/۰۶/۱۴).

## ۲. مبنای دینی تمدن نوین اسلامی

از آنجا که تمدن ارتقای دو بعد مادی و معنوی حیات بشری را در بر می گیرد. بنابراین، از اصلی ترین مؤلفه های شکل گیری تمدن وجود ایدئولوژی و دین است. در اصل اینکه دین از عناصر اصلی تمدن است، و غالب تمدن ها بر محور یک دین و با ظهور اندیشه دینی شکل گرفته اند، در میان تمدن پژوهان اجماع نسبی وجود دارد. هرچند در مفهوم غربی تمدن نیز، دین جایگاهی دارد (مزلیش، ۱۳۹۸: ۱۶۳)، این امر در اندیشه

متفکران مسلمان دارای جایگاه برجسته‌تری است و تمدن عمدتاً بر مبنایی دینی و برای تحقق اهداف دینی تعریف شده است. در مجموع، نظرات متفکران اسلامی در مورد تمدن اسلامی، بیانگر این واقعیت و نقطه مشترک است که خدامداری (توحید) و وحی اسلامی، اساس و بنیاد تمدن اسلامی است و دین همه مظاهر تمدن را در بر می‌گیرد (فاضل قانع، ۱۳۹۶: ۷۵، ۸۶ و ۹۲).

به باور مقام معظم رهبری داعیه جمهوری اسلامی ایجاد تمدنی است متکی به خدا، معنویت، وحی، تعالیم و هدایت الهی و امروز اگر ملت‌های مسلمان بتوانند چنین تمدنی را پایه‌گذاری کنند، بشر سعادت‌مند خواهد شد (خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۰۴/۳۱).

در چشم انداز دین اسلام، نگرش توحیدی بنیان هستی‌شناسی، و نگرش خلیه الهی به انسان دارای فطرت بنیان انسان‌شناسی را تشکیل می‌دهد. لذا جهان بینی تمدن اسلامی بر مبنای توحید است؛ اعتقاد به خدای واحدی که حاکم اصلی هستی است؛ خدایی که انسان‌ها را مساوی و برابر آفریده است. در این نوع نگاه به هستی، کرامت انسان در مسیر الهی است، و معنویت، اخلاق محوری و خداباوری رایج است و سیاست با دیانت و معنویت همراه است. ولی در جهان بینی غرب، عدم باور به عالم معنا و دنیوی دیدن همه امور اساس هستی‌شناسی است و به لحاظ انسان‌شناسی، مرکزیت و اولویت به انسان دارای بعد صرفاً جسمانی است که معیار همه چیز است. از این رو، تمدن غرب بر مبنای جهان‌بینی مادی شکل گرفته است؛ شامل: اصالت ماده (ماتریالیسم)؛ اصالت دنیا و بی اعتقادی به آخرت، سلب قدرت دین و حذف دین از اجتماع و سیاست (سکولاریسم)؛ اصالت لذت و آزادی بی حد (لیبرالیسم)؛ اصالت انسان و اینکه انسان خدای خود و محور تمام هستی است (اومانیزم) (زمانی محبوب، ۱۴۰۳: ۷۲).

## شاخص‌های تمدن نوین اسلامی

### ۱. دین و ایمان

آیت‌الله خامنه‌ای خصوصیت ویژه جامعه و تمدن اسلامی و شرط اصلی ساختن تمدن پیشرفته و دارای کمترین اشکال را معنویت متکی بر دین اسلام می‌داند و باور دارد که معنویت دینی زمینه‌ساز شناخت استعدادها و بهره‌گیری مناسب از آنها و پیشرفت مطلوب در همه ابعاد خواهد بود (خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۰۸/۲۰)؛ چراکه انسان

با عمل به دستورهای دینی، بیشترین فیض الهی را درک می‌کند؛ در نتیجه، هم دنیایش بهتر اداره می‌شود و هم سعادت ابدی خواهد داشت.

تمدن نوین اسلامی با پیوند زندگی و بندگی، دین را به عنوان عامل تعیین کننده به فرایندهای اجتماعی وارد می‌کند؛ بدین صورت که، دین جهان بینی فرد را می‌سازد و جهان بینی فرد باور او را شکل می‌دهد. باورها به هنجارها و ارزش ها منجر می‌شوند و الگوهای رفتاری برگرفته از ارزش ها و هنجارهاست و ظهور و بروز تمدن هم در الگوهای رفتاری انسان ها دیده می‌شود.

ساخت تمدن دینی جز با اعتقاد به غیب و تأثیر مستقیم اراده الهی در جریان تمدن بشر ایجاد نخواهد شد (بیگدلی، ۱۳۹۶: ۱۲۷). از همین رو، از دیدگاه رهبر معظم انقلاب در درجه نخست، تمدن سازی اسلامی نوین به ایمان نیاز دارد. به باور ایشان، تمدن سازی بدون ایدئولوژی امکان پذیر نیست و حتی اگر امکان پذیر باشد، مطلوب اسلام نیست (خامنه ای، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳). براین اساس، ایمان و معنویت عامل جهت دهنده و هدایت کننده ای است که در روند تحقق بنیادها و اجزای گوناگون تمدن نوین اسلامی، خطوط کلی حرکت را مشخص می‌کند (خامنه ای، ۱۳۹۲/۰۹/۱۹). اگر سبک زندگی اسلامی را بخش حقیقی تمدن نوین اسلامی بدانیم (خامنه ای، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳)، ویژگی جداکننده آن از سبک های دیگر زندگی بیشتر به سوی اسلامی شدن، مسلمان شدن و مؤمنانه و مسلمانه زندگی کردن است؛ این همان زنده کردن عدالت، تقوا، پارسایی، پاکدامنی، بی پروایی در راه خدا و شوق به مجاهدت در راه خداست (خامنه ای، ۱۳۸۳/۰۸/۰۶).

درمجموع، تمدن نوین اسلامی تمدنی «دین بنیاد» است؛ و اگر حقیقت اسلام را از این تمدن بگیریم، این تمدن پوچ خواهد بود. روح تمدن نوین اسلامی روح دینی است (خامنه ای، ۱۳۷۰/۱۱/۱۵) که در نفس انسان مؤمن و در سراسر اجزای حیات فردی و اجتماعی او جاری و ساری است (خامنه ای، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳). با این توصیف مشخص است که دین و ایمان به خدا، محوری ترین شاخص تمدن نوین اسلامی است.

## ۲. کرامت و عزت انسان ها

تمدن فرایندی بشری است و بر محور انسان به وجود آمده، معنا و هویت می یابد. بدون جمعیت، حکومتی و بدون حکومت و دولت، تمدنی شکل نمی گیرد. پیدایش تمدن نیز به اراده انسان ها وابسته است و به تعبیر قرآن کریم «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ» (رعد: ۱۱). نقش آفرینی اندیشه تمدن ساز از لحظه ای

آغاز می‌شود که با پذیرفته شدن از سوی مردم و اثرپذیری نظام‌ها و روابط و نهادهای جامعه از آن، به یک پدیده اجتماعی تبدیل شود. از این رو، مردم مهم‌ترین عنصر تمدن هستند. به عقیده مقام معظم رهبری «زیرساخت اصلی هر تمدنی، منابع انسانی است دیگر؛ یعنی آنکه می‌تواند یک تمدن را محتمل کند و ممکن کند و تحقق ببخشد، عبارت است از نیروی انسانی.» (خامنه‌ای، ۱۴۰۱/۰۲/۲۱)

از منظر تمدن‌پژوهان مسلمان تمدن بزرگ‌ترین نظام مناسبات انسانی است و اساس تمدن بین انسان با انسان رخ می‌دهد نه انسان با طبیعت (بابایی، ۱۳۹۴: ۳۴ و ۴۴). از دیدگاه علامه جعفری تمدن عبارت از تشکل انسان‌ها با روابط عالی و اشتراک همه افراد و گروه‌های جامعه در پیشبرد اهداف مادی و معنوی آن در همه ابعاد ممکن (جعفری تبریزی، ۱۳۹۶: ۱۷۶). بر این اساس، موضوع اصلی تمدن نوین اسلامی «انسان» است؛ یعنی هر آنچه از صفر تا صد تمدن نوین اسلامی اتفاق می‌افتد، برای انسان و در جهت ایجاد بسترهای رشد و تعالی انسان است. (غلامی، ۱۳۹۶: ۵۸).

به تعبیر قرآن، خداوند انسان را جانشین خود بر روی زمین قرار داد (بقره: ۳۰). این اوج عظمت وجودی و کرامت انسان است. آیت‌الله جوادی آملی معتقد است: «مایه کرامت آدم و نسل او، همان روح الهی اوست و چون خداوند این روح الهی را به انسان داد، فرمود: "فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ"» (مؤمنون: ۱۴) (جوادی آملی، ۱۳۷۲، ۱۸ و ۹۷). قرآن کریم با صراحت اعلام می‌کند که نوع بشر از این حیث بر بسیاری از مخلوقات الهی برتری دارد: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء: ۷۰).

به فرموده رهبری این کرامت انسانی با اومانیسیم متفاوت است (خامنه‌ای، ۱۳۷۹/۰۹/۱۲). اومانیسیم یا مکتب اصالت بشر، انسان را معیار همه چیز می‌داند و در این مسیر آن قدر افراط کرد که انسان را جای خدا نشانده است (قنبری، ۱۳۸۳: ۱۳). روشن است احترام به مقام انسان و ایجاد زمینه برای رشد و تعالی انسان بسیار ارزشمند است، اما افراط در این زمینه به همان اندازه زیان‌آور است که تفریط درباره آن (قنبری، ۱۳۸۳: ۴۷). اومانیسیم از دیدگاه اسلام امری مردود و مطرود است. بدین معنی که اسلام به انسان در مقابل خداوند اصالت نمی‌دهد. در اسلام انسان اصالت ندارد، بلکه کرامت دارد. در اسلام اصل خداوند است و کرامت انسانی منشأش الهی است. از دیدگاه اسلام، انسان چه در کودکی و بزرگی، چه انسان زنده و چه مرده، چه انسان بیمار و چه سالم، چه انسان فقیر و چه بی‌نیاز، چه در میهن و چه در غربت، چه مرد و چه زن از هر نژاد و منطقه‌ای

تکریم شده و گرمی است. بر اساس نظر آیت الله خامنه ای نظام اسلامی معتقد به کرامت انسان است؛ انسان بماهو انسان، نه انسان فلان منطقه، انسان فلان نژاد، انسان فلان رنگ. وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ؛ (۸) ما بنی آدم را تکریم کردیم؛ این قرآن است. (خامنه ای، ۱۴۰۲/۰۵/۲۶ و ۱۴۰۲/۱۰/۰۶).

از دیدگاه مقام معظم رهبری هیچ مکتبی به قدر اسلام، ارزش و کرامت انسان را والا نمی داند. یکی از اصول اسلامی که همیشه در تعریف و معرفی اسلام مطرح شده است اصل تکریم انسان است (خامنه ای، ۱۳۷۱/۰۹/۲۵). بر مبنای همین رویکرد، یکی از وجوه اساسی تمایز تمدن نوین اسلامی با تمدن غرب توجه ویژه به کرامت انسان است. واقعیت این است که شرایط موجود در جهان صحنه رویارویی بین کرامت و ذلت است. جبهه کرامت (تمدن نوین اسلامی) سعی در حفظ هویت و شخصیت انسانی دارد اما در مقابل، جبهه ای (تمدن غرب) قرار دارد که همواره کوشیده با از بین بردن کرامت انسان ها بر بشریت مسلط شود. درحقیقت، جامعه ای که ارزش اساسی آن انسانیت است و اعتبار انسان به ویژگی های انسانی اوست، جامعه متمدن است؛ حال آنکه، در تمدن غرب این ارزشهای اساسی را برای رسیدن به نتایج و تولیدات مادی بیشتر قربانی می کنند.

در انسان شناسی قرآنی، آیا تمدن با «کرامت انسانی» به دست می آید یا با «عزت انسانی»؟ در نگرش مدرن، شاخص انسان مدرن، کرامت انسانی (human dignity) است، در حالی که در اندیشه اسلامی، افزون بر کرامت انسانی (وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ) (اسراء: ۷۰)؛ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ (حجرات: ۱۳))، عزت انسانی (human Honor) بسیار مهم بوده و انسان را به آستانه های تمدن نزدیک تر می کند. به عبارت دیگر، کرامت ارزش فردی و حداقلی انسان است (انسان در فرد بودن اش برخوردار از کرامت می شود) که ضرورتاً او را به سطح «امت شدن» نمی رساند، در حالی که عزت انسانی ناظر به ارزش اجتماعی و حداکثری انسان است (انسان در جامعه، عزیز می شود) که او را به آستانه های امت شدن در جامعه می رساند و از او یک کنشگر تمدنی می سازد. إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (نحل ۱۲۰)؛ همانا ابراهیم (به تنهایی) یک امت بود، در برابر خدا خاضع و فرمان بر و حق گرا بود، و از مشرکان نبود. به بیان دیگر، اساساً انسان تمدنی نه فقط انسان با کرامت (در نگرش توحیدی) بلکه انسان با عزت نیز است (بابایی، ۱۴۰۳). بر همین اساس، رهبر معظم انقلاب می فرماید: اگر ملتی احساس عزت کند، پیشرفت کرده و می بالد، اما اگر توسری خورد، استعدادها در او خفه خواهند شد (خامنه ای، ۰۳۸۴/۰۶/۰۸).

### ۳. مکارم اخلاقی

اخلاق و زندگی بر پایه مکارم اخلاقی یکی دیگر از مهم‌ترین شاخصه‌های بارز تمدن نوین اسلامی است. به نظر مالک بن نبی هدف از آموزه‌های اخلاقی اسلام این است که ما را در مسیر تمدن قرار دهد و هنر با دیگران زیستن در جامعه را بیاموزد (بن نبی، ۱۳۵۹: ۱۱۴). به اعتقاد مقام معظم رهبری، جامعه‌ای متمدن است که معیارها و فضائل اخلاقی در حد اعلا در آن زنده باشد (خامنه‌ای، ۱۳۸۰/۰۲/۱۲). ایشان معنویت و اخلاق را، به عنوان نیاز اصلی جامعه و جهت دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی (بیانیه گام دوم انقلاب)، عاملی می‌داند که یک روز اسلام را از یک جمع محدود غریب، به یک تمدن عظیم جهانی تبدیل کرد و این تمدن، قرن‌ها دنیا را اداره کرد و امروز نیز دنیا، مدیون تمدن اسلامی است (خامنه‌ای، ۱۳۷۵/۱۱/۲۱).

توسعه، تعمیق و تکمیل مناسبات انسانی و اخلاقی، فرایندی درونی، باطنی، قلبی و روحی را می‌طلبد. به گونه‌ای که می‌توان گفت ایمان، مناسبات انسانی و اخلاقی را میان مردم تقویت می‌کند و باعث می‌شود در تعاملات اجتماعی هر فرد دیگری را بر خود ترجیح دهد (بابایی، ۱۳۹۴: ۴۴). تمدن اسلامی می‌تواند با شاخص‌های ایمان و علم و اخلاق و مجاهدت مداوم، اندیشه پیشرفته و اخلاق والا را به امت اسلامی و به همه بشریت هدیه دهد و نقطه‌رهایی از جهان بینی مادی و ظالمانه و اخلاقی به لجن کشیده‌ای که ارکان تمدن امروزی غریبند، باشد.

یکی از شاخص‌های اخلاقی مهم در تمدن‌سازی نیکی در روابط انسانی است، لیکن نکته مهم‌تر اینکه، رفتار و یا گفتار نیک (قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا) (بقره: ۸۳)، و مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا (بقره: ۲۴۵) زمانی بدل به یک امر تمدنی شده و امواج نیکی را در جامعه در سطوح کلان اجتماعی باعث می‌شود، که هر کار نیک، کار نیک دیگری را در پی داشته باشد، و بلکه فراتر از آن، هر امر نیکی، نیکی بیشتر و بهتری را به دنبال داشته باشد (وَإِذَا حَيَّيْتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا) (نساء: ۸۶)). اگر این قاعده در یک جامعه به لحاظ فرهنگی نهادینه بشود، کمترین، خردترین و کوچک‌ترین امر نیکی، موجب و موجب‌بیشترین، کلان‌ترین و بهترین عمل نیک در جامعه خواهد بود و این سلسله تا بی‌نهایت ادامه پیدا خواهد کرد و هر واکنش احسنی خود مستحق رفتاری بهتر و بیشتر به جهت نیکی خواهد بود و این روند رو به رشد هیچگاه پایانی نخواهد داشت، و پر واضح است که تمدن انسانی در سطوح بی‌نهایت‌ها رخ می‌نماید. فرایند تمدنی چیزی جز این نیست که سطوح کلان اجتماعی مدام در حال زایش نیکی‌ها و تزریق و توسعه آن در نهادهای اجتماعی و انسانی باشد. این قاعده اخلاقی در

قرآن مبنی بر «نیک‌ترین واکنش در برابر رفتار نیک دیگران»، صرفاً محدود و منحصر به جامعه اسلامی و اجتماع مسلمانان نیست، بلکه می‌تواند در یک جامعه و یک تمدن غیراسلامی نیز موجی از نیکی‌ها را موجب شود و تمدن را در فرایند تمدنی‌اش تمدنی‌تر بنماید (بابایی، ۱۴۰۰: ۲۴۴).

اعجاز اخلاقی قرآن در عرصه‌های تمدنی زمانی برجسته می‌شود که قاعده «دفع سیئه به حسنه» را به قاعده فوق بیافزاییم. در شاخص‌های اخلاقی تمدن در قرآن، نه فقط باید با کار حَسَن مواجهه‌ای احسن و بهتر داشت، بلکه باید سیئه و بدی را هم با حسنه و خوبی پاسخ داد. این قاعده از قواعد درخشان اجتماعی و تمدنی در قرآن است که دفع بدی با کار خوب انجام یابد، و بدی در بدی بودنش منجمد (freeze) شده و بلکه تبدیل به نقطه نوری می‌شود. به بیان دیگر، با انجام کار خوب در برابر فرد خاطی و احسان به فرد بدی‌کننده، راه برای اصلاح فرد و جامعه باز می‌شود و از تسری موج گناه در جامعه جلوگیری می‌شود. همین مضمون را می‌توان معنای آیه شریفه *إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرٌ لِلذَّكَّارِينَ* (هود: ۱۱۴) در نظر گرفت که در آن نه فقط حسنات یک فرد سیئات او را از بین می‌برد، بلکه حسنات فرد آنگاه که در واکنش با سیئات دیگران انجام می‌شود، موجب توبه و ترک آن سیئه از سوی دیگران می‌شود. این تعامل سیئه به حسنه بدون شک در نظام مناسبات اجتماعی در سطوح خرد و کلان بسیار موثر و موج‌آفرین است. این معنا صریحاً در آیه ۳۴ سوره فصلت آمده است که خداوند در آن فرموده است: *وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ* (فصلت: ۳۴). همین طور این مضمون که از شر گناه و سیئه باید از طریق حسنه خلاص شد در آیات متعدد قرآنی مورد اشاره قرار گرفته است<sup>۱</sup> (بابایی، ۱۴۰۰: ۲۴۵-۲۴۷).

عنصر دیگر و بسیار بزرگی که جامعه اسلامی را از وضعیت خُرد به وضعیت کلان، و از یک جامعه به یک تمدن، و از یک ملت به سمت یک امت پیش می‌برد، عنصر «اصلاح بین مردم» (نساء: ۱۱۴؛ و انفال: ۱)، یا «اراده اصلاح در جامعه» (نساء: ۳۵) و یا اصل کلی «اصلاح» و «جبران بدی‌ها و سمومات اجتماعی» (نساء: ۱۴۶) است.

۱. ر.ک. وَ الَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آتَوْا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَ عَلَانِيَةً وَ يَدْرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةِ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ (رعد/۲۲) ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ (مومنون/۹۶). أُولَئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَ يَدْرُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةِ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (قصص/۵۴) ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّى عَفَوْا وَ قَالُوا قَدْ مَسَّ آبَاءَنَا الضَّرَّاءُ وَ السَّرَّاءُ فَأَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ (اعراف/۹۵)

بی شک، اصلاح بین مردم، بین اقوام، بین ملل، و بین جوامع مختلف انسانی و اسلامی مقوله‌ای دینی، اسلامی و قرآنی است که موانع مخلّ نظام مناسبات انسانی را مرتفع کرده و فرایند صورت‌بندی روابط انسانی را در تمدن تسهیل می‌کند. اساساً حقیقت اصلاح را می‌توان در تبدیل فرایندی جامعه غیراخلاقی (فاقد نیکی) به جامعه اخلاقی (انباشت نیکی‌ها) دانست و به لحاظ اخلاقی، تمدن چیزی جز انباشت خیرات و نیکی‌ها نیست. اصلاح، آنهم در سطوح کلان اجتماعی در میان نهادهای مختلف، احزاب گوناگون، گروه‌های بزرگ، و ادیان ابراهیمی و مذاهب اسلامی، موجب شکل‌گیری و سامان یافتن مناسبات کلان انسانی شده، و رخدادهای انسانی بزرگی را در سطح تمدن موجب می‌شود که نمونه آن را می‌توان در گذر از جامعه جاهلی به دوران اسلامی در تاریخ اسلام مشاهده کرد. بسط این معنا و تبیین ابعاد اجتماعی آن و پیامدهای فرهنگی و تمدنی آن، بالاخص در مقایسه با تمدن سکولار غرب، شاخص‌های اسلامی در تمدن نوین اسلامی را معنادارتر می‌کند. (بابایی، ۱۴۰۰: ۲۴۸)

#### ۴. نظم و قانون مداری

تمدن مولّد یک جامعه مدنی قانونمند و منظم است یعنی قانونمندی و نظم اجتماعی یکی از شاخصه‌های اصلی جوامع متمدن به شمار می‌رود (خامنه‌ای، ۱۳۶۷/۰۶/۱۱). هر قدر نظم اجتماعی قوی‌تر باشد، تنش‌ها و تراحمات اجتماعی نیز کمتر است. در این صورت، انسان‌ها در زندگی جمعی آرامش و خوشبختی بیشتری را تجربه می‌کنند. البته نظم اجتماعی در تمدن نوین اسلامی با نظم اجتماعی در تمدن غربی تفاوت دارد و آن در منبع و منشأ نظم اجتماعی است.

در مجموع، می‌توان سه نوع نظم را تبیین کرد: نخستین نوع، نظم قانونی است. این نوع نظم ناشی از نگاه بدبینانه اندیشمندانی همچون توماس هابس به انسان است که اگر انسان‌ها را رها کنید مانند گرگ به همدیگر تعدی و تجاوز می‌کنند. در این حالت، برای ایجاد نظم به قانون نیاز است. این نظم حداقلی است که در جامعه‌هایی وجود دارد که قانون و ضمانت لازم و کافی برای آن وجود داشته باشد. دومین نوع نظم، نظم اخلاقی است.<sup>۱</sup> براساس این نظریه، انسان می‌تواند با تربیت اخلاقی و اصل خودکنترلی، نظم را، هر چند قانون سخت و نافذ و ثابتی وجود نداشته باشد، ایجاد کند. مبنای این نظم احترام افراد به همدیگر است. یعنی افراد طوری تربیت می‌شوند که فرد هرگاه هوس عمل غیراخلاقی کرد، اگر تعدی به حقوق دیگران یا خلاف قانون و هنجار جامعه است، از انجام آن خودداری می‌کند. سومین نوع نظم، نظم معنوی است. به این معنا که انسان با تلاش در

۱. این نظریه توسط امیل دورکیم جامعه‌شناس فرانسوی مطرح شده است.

سامان بخشیدن به رابطه با خدا به نظم مورد نظر جامعه عمل می‌پوشاند؛ زیرا روابط انسان با خدا، روابط انسان با انسان را نیز سامان می‌بخشد. بنابراین، فردی که خود را با خداوند براساس فرمان‌های الهی تنظیم می‌کند به همه دستوره‌ای خداوند درباره رابطه با حقوق انسان‌ها نسبت به همدیگر پایبند خواهد بود. این موضوع برخورد‌های اجتماعی بین افراد را به شدت کاهش می‌دهد؛ در نتیجه پایه‌گذار نظم اجتماعی تازه خواهد شد؛ نظم جامع تمدنی که اساس آن در استحکام روابط بین انسان و خداوند است.

بدین ترتیب، در تمدن نوین اسلامی، دین اسلام با به میدان آوردن احترام معنوی و ایمانی، نظم اجتماعی را ایجاد می‌کند؛ درحالی‌که تمدن غرب سرمنشأ و تکیه‌گاه نظم اجتماعی خود را تا اندازه قرارداد اجتماعی و قوانین مصوب پایین آورده است. به تعبیر دیگر، اسلام ظرفی را برای رشد و تعالی انسان‌ها در نظر می‌گیرد که انسان‌ها همواره اصول انسانی را رعایت کنند و خود را گرمی‌تر از آن ببینند که به شرارت دست بزنند. ظرفی که برای این کار در نظر گرفته شده، تقواست؛ در صورت وجود تقوا در انسان، در بحث قوانین اجتماعی بسیاری از معضلات از میان خواهد رفت. در این صورت، انسان‌ها خود براساس تقوا، قانون را رعایت می‌کنند، و در نتیجه نظم خودبنیاد حاکم می‌شود. برای نمونه، در غرب با استفاده از نصب دوربین‌های متعدد در مکان‌های گوناگون و تعیین مجازات برای کسانی که قوانین اجتماعی را رعایت نمی‌کنند، جامعه را به رعایت نظم وادار کرده‌اند. چنین روندی باعث شده است در کشورهای غربی، شب‌ها به واسطه کارکرد ضعیف‌تر کنترل دوربین‌ها دزدی بیشتر باشد. یعنی مبنای رعایت نظم بیشتر ابزار کنترلی و قوانین حاکم است. درحالی‌که در جامعه آرمانی اسلامی، مردم به واسطه رعایت تقوا، به حقوق اجتماعی دیگران احترام می‌گذارند و نظم اجتماعی پدید می‌آید. فرد مسلمان به واسطه بازدارندگی شرعی دزدی و تخلف نمی‌کند و برایش، بودن یا نبودن دوربین یا روز و شب تفاوتی ندارد. او در هرجا و هر زمان خدا را ناظر می‌بیند و بدین ترتیب، همواره نظم اجتماعی به‌طور گسترده و مداوم پدیدار می‌شود (بابایی، ۱۳۹۶).

البته این به معنای کنار گذاشتن قانون نیست؛ از منظر مقام معظم رهبری قانون اساسی یک منبع مهم برای حرکت در مسیر تمدن سازی اسلامی است و این به دلیل فرایند درست و منطقی بود که حضرت امام برای تدوین قانون اساسی در نظر گرفتند. به عقیده ایشان حضرت امام با قانون اساسی، به لحاظ حقوقی، سیاسی، اجتماعی و علمی یک قاعده محکم و مستحکمی را به وجود آورد که بر اساس این قاعده می‌شود تمدن عظیم اسلامی را بنا کرد (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۳/۱۴).

## ۵. اتحاد و انسجام

آنچه به عنوان تمدن نوین اسلامی مطرح است مربوط به یک کشور و یا قسمتی از جهان اسلام نیست؛ بلکه منظور از تمدن نوین اسلامی تشکیل «امت واحده» از جوامع اسلامی است، به طوری که بستر مناسب برای پیشرفت و ارتقای مادی و معنوی براساس اصول و ارزش‌های ناب اسلامی برای همه مسلمانان فراهم شود و این همان امتی است که قرآن درباره آن می فرماید: *إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ* (انبیاء: ۹۲)؛ در امت واحده محوریت با خدای واحد، قبله واحد و قرآن واحد است (خامنه ای، ۱۳۹۳/۰۳/۰۶).

نخستین رکن در تحقق اتحاد و انسجام اسلامی در میان امت‌های مسلمان توجه اساسی به مبانی، اصول و آرمان‌های مشترک، و رکن دوم، پرهیز از مطرح کردن غیرعلمی و جنجال‌آمیز مباحث اختلافی میان فرقه‌ها و ملت‌ها در میان جوامع اسلامی است. وقتی از سطح تمدنی اسلام سخن می‌رود، نباید از فرقه‌ها و مذاهب اسلامی یا حتی ادیان به منزله چالش تمدنی یاد کرد. در نتیجه، هر اقدامی در راستای تقابل شیعی - سنی و یا ایرانی - عربی و...، بازی در تفسیر غیرتمدنی از دین اسلام و عامل گسست و واگرایی و سبب سست شدن قدرت مسلمانان است.

لازمه حرکت تمدنی و تمدن‌سازی همبستگی و همگرایی است. جنس تمدن بیش از آنکه برآمده از اختصاصات قومی و مذهبی باشد، برآمده از رویکرد انسانی و عدالت‌محور و توسعه‌بنیان است. تكثر گروه‌ها، ادیان و فرهنگ‌ها و به طور کلی واحدهای اجتماعی جزو عناصر ماهوی تمدن است. به تعبیر توین بی، تمدن کوششی است برای آفریدن جامعه‌ای که کل بشر بتوانند با هم‌نوایی در کنار یکدیگر درون آن زندگی کنند. در هر تمدنی انسان‌های گوناگون، فرهنگ‌های متعدد، زبان‌های گوناگون و خواسته‌های متنوعی وجود دارند؛ خدمت مشترک آنها و ایفای نقش و سهم خود به تمدن حاکم مهم است (صدری، ۱۳۸۰: ۳۵). در تمدن، سخن از یک فرد، یک ملت، یک زبان و حتی یک آیین امری دور از ذهن و واقعیت است. درواقع این همان تمدن است که هویتی واحد، همسو و هماهنگ به این گروه‌ها و عناصر متکثر می‌بخشد و آنها را گذشته از هر ملیت و کشوری ذیل چتر مشترکات انسانی، اسلامی و ایمانی گرد هم می‌آورد (بابایی، ۱۳۹۴: ۴۴).<sup>۱</sup>

۱. برای مطالعه بیشتر رک. حبیب اله بابایی، «تنوع اسلامی در فرایند تمدنی»، فصلنامه نقد و نظر، ش ۲۲، زمستان ۱۳۹۶.

مقام معظم رهبری در دیدار در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی در فروردین ۱۴۰۴ می فرماید: اتحاد به معنای این نیست که دولتها یکی بشوند؛ معنایش این نیست که در همه‌ی گرایشهای سیاسی مثل هم فکر کنند. معنای اتحاد دنیای اسلام این است که در درجه‌ی اول منافع مشترک را بشناسند (خامنه‌ای، ۱۴۰۴/۰۱/۱۱).

براین اساس، این خاصیت تمدن است که گوناگونی ملتها و تفاوت شرایط فرهنگی و اقلیمی را به رسمیت می‌شناسد و تمدن اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست. امت‌گرایی و تکرپذیری از ویژگی‌های تمدن اسلامی است. در تمدن پیشین اسلامی با وجود اینکه چتر عام اسلام بر بخش پهناوری از کره زمین گسترده بود و همه ساکنان این سرزمین پهناور از جنوب فرانسه تا شمال چین با هویت واحد اسلامی شناخته می‌شدند، ولی کسی تردید ندارد که همگان درک یکسانی از اسلام نداشتند. امروز نیز در امت اسلامی با وجود هویت واحد اسلامی، این تنوع و تکر به آسانی به چشم می‌خورد و برخلاف نظر رایج، به نظر می‌رسد تکر فرهنگی و مذهبی در جهان اسلام نقطه مثبت و پتانسیلی برای تمدن‌سازی است؛ یعنی همین تراکم انسانی و اندیشه‌ها و ایده‌های متفاوت می‌توانند پیش‌برنده تمدن شوند. البته انسجام‌هایی نیز می‌خواهد که می‌توان با قرآن و سنت خلأ آن را پر کرد.<sup>۱</sup>

درحقیقت، دین اسلام می‌تواند اقوام، ملتها و فرهنگ‌های گوناگون را زیر چتر تمدن اسلامی به وحدت و همبستگی برساند و آنان را به «امت اسلامی» تبدیل سازد. به رغم وجود مفاهیم کلان اجتماعی متعدد در قرآن (مانند ملک، تمکن، کافه، عمران، قریه، بلد و ...) و کاربست‌های آن در موارد مثبت و منفی، در این میان، لفظ «امت» به جهت کلان بودن و نظام‌مند بودن، نزدیک ترین واژه و معنا به «تمدن» است. «امت» نه به معنای «تمکن» است و نه به معنای «ملک» که مربوط به جنبه‌های اقتدار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی یک قوم باشد، بلکه معطوف به یک ابرنظام متراکم انسانی‌ای است که برخوردار از انسجام، اتحاد و نظام ارتباطی درهم تنیده است. از آنجا که در «امت» شمولیت و فراگیری وجود دارد و نظام ارتباطی در آن نیز پایدار و غایت‌مدار است (امت واحده بزرگترین واحد اجتماعی در اسلام است)، و از آنجا که «امت» دارای یک هویت کلانی است، و اینکه «امت» نیز مانند «تمدن» ضرورتاً تمرکز جغرافیایی نمی‌خواهد، و بالاخره اینکه «امت» معطوف به نیازهای کلان مسلمانان شکل می‌گیرد و تا زمانی که این نیازها برآورده نشود صورت بندی امت نه ممکن و نه مفهوم می‌گردد، «امت» به مقوله «تمدن» به لحاظ ماهوی نزدیک‌تر می‌شود و شاید بتوان گفت که «امت»

۱. امام خامنه‌ای می‌فرماید: «باتوجه به تنوع ملیتها و کشورها در درون جهان اسلام، با رویکر امت واحده اسلامی با محوریت قرآن می‌توان به تمدن نوین اسلامی دست یافت» (خامنه‌ای، بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی، ۱۳۹۲/۲/۹)

در قرآن همان «تمدن» در تاریخ و جامعه است. شاید با همین نگاه است که نقطه عزیمت حرکتی مسلمانان برای تمدن ساختن، مفهوم «امت» بوده و مسلمانان توجه خاصی به آیه «کنتم خیر امه اخرجت للناس» (آل عمران، آیه ۱۱۰) داشته اند و بدان سان در مورد ساخت دنیا عزمی راسخ از خود نشان داده اند.

یکی از آشکارترین شاخص‌های امت اسلامی، یکسان‌سازی و تمایزسازی همزمان است؛ یعنی همه مسلمانان براساس تعلقات جغرافیایی و نژادی و ملی از هم متمایزند،<sup>۱</sup> ولی گرد عنصر دین اسلام، با هم برابر و برادرند. بنابراین، تمدن نوین اسلامی باعث ایجاد رویکرد فراقومی، فراملی و فرانژادی، و سبب وحدت جهان اسلام و ایجاد فضای تعاملی میان قومیت‌ها و ملیت‌های گوناگون، و در نهایت رشد و پیشرفت جهان اسلام خواهد شد.

## ۶. عدالت اجتماعی

در دین اسلام عدل مقیاس دین و عدالت‌محوری یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تمدنی در قرآن است (انعام: ۱۱۵). به شهادت قرآن، ادیان هدفشان را عدالت قرار داده اند. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ..» (حدید: ۲۵). این آیه حکم می‌کند بر اینکه هدف از ارسال پیامبران، نزول کتب آسمانی (منشور ادیان در مورد معارف، احکام و اخلاقیات)، آمدن بینات (حجت‌های متقن و غیرقابل تردید که پیغمبران ارائه می‌دهند) و میزان (سنجه او معیارها) قیام به قسط بوده است... براین اساس، هدف حرکت بشر از نظام‌سازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی برقراری عدالت است که در هیچ مکتب دیگری جز ادیان الهی وجود ندارد (خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۰۲/۲۷). شایان توجه است که مفهوم «قسط» با «عدل» متفاوت است؛ عدل معنای عام دارد و قسط معنای خاص. قسط همان عدل در مناسبات اجتماعی، یعنی «عدالت اجتماعی» است (خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۱۱/۰۱؛ ۱۳۶۸/۱۱/۰۹).

بهره‌مندی از نظام به‌پادارنده عدل و قسط در جامعه و پرهیز از ظلم و ستم به افراد جامعه، از معیارها و بایسته‌های جامعه و تمدن و عوامل رشد و شکوفایی جامعه به‌شمار می‌رود (ابن خلدون، ۱۳۶۶، ج ۱: ۱۰۳). از دیدگاه امیرمؤمنان وقتی عدالت فراگیر شد، گشایش و آسایش به دست می‌شود<sup>۲</sup> و شهرها آبادان،<sup>۳</sup> و کار

۱. وحدت در جهان اسلام وحدت جغرافیایی، ملی و حتی مذهبی نیست؛ بلکه وحدت دینی و وحدت در آرمان‌ها و اهداف مشترک است.

۲. «فَأَنَّ فِي الْعَدْلِ سَعَةً وَمَنْ ضَاقَ عَلَيْهِ الْعَدْلُ فَالْجَوْرُ عَلَيْهِ أَضْيَقُ (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۵)؛ در عدالت گشایش برای عموم است، و آن کس که عدالت بر او گران آید، تحمل ستم برای او سخت‌تر است.»

۳. «مَا عَمَّرَتِ الْبُلْدَانُ بِمِثْلِ الْعَدْلِ» (خوانساری، شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج ۶، ص ۶۸).

شهروندان و جامعه اصلاح می‌شود.<sup>۱</sup> دولت‌ها پایدار می‌شوند و جامعه آهنگ پیشرفت می‌گیرد (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۰: ۷۰-۷۱) و فرایند تمدن‌سازی محقق می‌شود. برهین مبنا، مقام معظم رهبری عدالت را یکسان بودن فرصت‌ها و حقوق می‌داند. در این صورت، همه از فرصت‌های حرکت و پیشرفت بهره‌مند می‌شوند (خامنه‌ای، ۱۳۸۵/۰۸/۲۰). نکته اساسی در اینجا همراهی و پیوستگی میان عدالت و پیشرفت است؛ به طوری که مقام معظم رهبری «پیشرفت و عدالت» را به عنوان گفتمان دهه چهارم انقلاب مطرح کرد و در سخنرانی‌های متعدد آن را جهت‌گیری اصلی نظام در این دهه خواند.<sup>۲</sup>

از نگاه آیت‌الله خامنه‌ای عدالت از موضوعات کلیدی در فراز و فرود تمدن‌هاست؛ به طوری که گویا تمدن اسلامی بدون عدالت، نمی‌تواند معنا شود. ایشان می‌فرماید بدون عدالت اجتماعی جامعه اسلامی نیز وجود نخواهد داشت (خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۱۱/۰۹) و مسلم است که مقدمه تمدن اسلامی جامعه اسلامی است.

دیگر نکته مهم در هدف‌گذاری تمدنی بر محور عدالت این است که بقیه اهداف تمدنی نیز باید با عدالت همخوانی داشته باشند. از نظر آیت‌الله خامنه‌ای پیشرفت اقتصادی بدون رعایت عدالت اجتماعی ارزشی ندارد. ایشان در بیان دیگری، به این نکته تصریح کرده‌است: اگر کشوری در علم و فناوری و جلوه‌های گوناگون تمدن مادی پیشرفت کند، اما عدالت اجتماعی در آن نباشد، این به نظر ما و [مطابق] با منطق اسلام پیشرفت نیست (خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰). بر عکس، اگر اخلاق در جامعه‌ای تأمین شد، عدالت اجتماعی حفظ می‌گردد، جامعه آباد می‌شود و انسان‌ها در همین دنیا در بهشت زندگی می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۰۴/۲۳).

## ۷. پیشرفت اقتصادی

رفاه، آسایش و پیشرفت از شاخص‌های اصلی جامعه متمدن و اقتصاد نقطه‌ای کلیدی و تعیین‌کننده برای پیشرفت است. هیچ رویکرد تمدنی نمی‌تواند به رفاه زندگی مردم، سطح معیشت و رشد اقتصاد جامعه بی‌توجه باشد. اگر یک روی سکه تمدن نوین اسلامی را دین و اخلاق و عوامل معنوی در نظر بگیریم، روی دیگر آن رشد اقتصادی با هدف رفاه عمومی است. رهبر معظم انقلاب در بیانیه گام دوم انقلاب، اقتصاد را نقطه کلیدی و تعیین‌کننده می‌داند (خامنه‌ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). از دیدگاه مقام معظم رهبری، انقلاب اسلامی آغاز دوره تازه‌ای از

۱. «بِالْعَدْلِ تَصْلَحُ الرَّعِيَّةُ؛ الرعيه لايصلحها آلا العدل» (خوانساری، شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج ۳، ص ۲۰۶ و ج ۱، ص ۳۵۴).

۲. در این زمینه ر.ک. احمد شفیعی، «عدالت و پیشرفت گفتمان دهه چهارم انقلاب اسلامی»، مجله پیام، ش ۹۴، بهار ۱۳۸۸.

حرکت تاریخ است که در آن، هم تعالی معنوی و هم آبادی و رفاه مطرح است (خامنه ای، ۱۳۷۶/۰۲/۰۳). آیت الله خامنه‌ای باور دارد که تمدن و اندیشه اسلامی به پیشرفت مادی نیاز دارد تا بدین وسیله امنیت، آسایش، رفاه و شرایط برای همزیستی مهربانانه مردم فراهم شود (خامنه ای، ۱۳۸۵/۰۸/۲۰). به گفته ایشان، هرچند نهضت ما حرکتی اسلامی، اخلاقی و معنوی بود و هدف اسلام ساختن انسان متکامل با تراز اسلامی است، ولی بی‌شک پیشرفت علمی و اعتلای اقتصادی جزو هدف‌های اسلامی است و کوشش برای رشد و گسترش اقتصادی جهان اسلام باید در این زمینه پیگیری شود (خامنه ای، ۱۳۸۳/۰۶/۲۵).

نسخه آیت الله خامنه ای برای پیشرفت اقتصادی و راه حل مشکلات اقتصادی از نظر ایشان «اقتصاد مقاومتی» است. سیاست های اقتصادی مقاومتی الگویی بومی است که در ساخت درونی خود مقاوم است و می تواند در شرایط فشار، تحریم و دشمنی های شدید باعث رشد و شکوفایی کشور شود (خامنه ای، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰؛ ۱۳۹۱/۰۵/۱۶).

البته در تمدن نوین اسلامی، مطلوبیت آرمان‌های پیشرفت مادی و رفاه اقتصادی مطلوبیتی ذاتی و مستقل نیست و برخی شرطها و شاخص‌های مقبولیتی از جمله هم‌زمانی پیشرفت اقتصادی با عدالت اجتماعی مد نظر است (بهمنی، ۱۳۹۳: ۲۱۳). به باور مقام معظم رهبری، از مظاهر تمدن اسلامی ایجاد رفاه و ثروت عمومی است و در دین اسلام اقتصاد باید ایجادکننده رفاه عمومی و عدالت اجتماعی برای تک‌تک افراد جامعه باشد (خامنه ای، ۱۳۹۲/۰۲/۰۹).

## ۸. آزادی

یکی از شرایطی که باعث پیدایش پیشرفت و تمدن می‌شود، بهره‌مندی جامعه و نخبگان از آزادی است (لک زایی، ۱۳۸۴: ۲۵۸؛ خلیلیان اشکذری و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۱۵). براین اساس، به یقین یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازها و لوازم شکل‌گیری و تکامل تمدن نوین اسلامی وجود آزادی‌های معنوی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی است. تمدن نوین اسلامی نه تنها در بستر آزادی شکوفا می‌شود، بلکه پس از زایش، به گسترش و تعمیق آزادی حقیقی کمک می‌کند و با استبداد و خودکامگی در تعارض است (غلامی، ۱۳۹۶: ۵۲). انسان در طراز تمدن نوین اسلامی جدای از اینکه باید خود را از اسارت نادانی، اسارت نفس و بردگی شیطان خارج کند، در کنش‌های فردی و

اجتماعی نیز باید دارای آزادی باشد؛ با این ملاحظه که آزادی در اسلام در چهارچوب عدالت و اخلاق مشروعیت می‌یابد و باید قاعده و منطق استفاده از آزادی رعایت شود (غلامی، ۱۳۹۶: ۵۹-۶۰).

آزادی اجتماعی به معنایی که امروز در فرهنگ سیاسی دنیا ترجمه می‌شود، ریشه قرآنی دارد..... دین بزرگترین پیام آور آزادی است... و آزادی درست و آزادی معقول، مهمترین هدیه دین به یک ملت و به یک جامعه است (خامنه ای، ۱۳۷۷/۰۶/۱۲)

در میان انواع آزادی، آزادی اندیشه یا آزاداندیشی جایگاه محوری در رونق تمدنی دارد. به باور داوری اردکانی، دین، هنر، فلسفه، عرفان و دانش در شرایطی به نسبت آزاد توانسته‌اند ظهور یابند و ظهور تمدن نیز باتوجه به تحقق شرایطی است که آزاداندیشی در صدر آن قرار دارد (داوری اردکانی، ۱۳۸۶: ۵۲)؛ زیرا به سبب آن، آرای گوناگون و نقد و نظرها مطرح می‌شود، دانش و اندیشه رونق می‌گیرد و بشر روبه تکامل و پیشرفت می‌رود (لک زایی، ۱۳۸۴: ۲۶۸).

از دیدگاه قرآن، بیان واقعیات و حقایق، چه در قلمرو مادی و چه قلمرو معنوی، نه تنها آزاد، بلکه واجب است و اگر کسی کوتاهی کند و حق را کتمان کند، سرزنش خواهد شد (بقره: ۱۵۹). بر همین اساس، اسلام پیروان خویش را به آزاداندیشی و نداشتن جمود فکری و تعصب فرا می‌خواند (عبدالمحمدی، ۱۳۹۱: ۱۹۴-۱۹۵). در تمدن اسلامی مدارا و رواداری درباره دیدگاه‌ها و آرای دیگران در میان دانشمندان مسلمان، با تکرر فراوان خود، بر پایه دستور قرآنی جدال احسن (نحل: ۲۵) و لزوم استماع هر سخنی (زمر: ۱۸) شکل گرفت.

آیت‌الله خامنه‌ای، در بیانیه گام دوم انقلاب، آزادی اجتماعی را به معنای حق تصمیم‌گیری و عمل کردن و اندیشیدن برای همه افراد جامعه تعریف می‌کند (خامنه ای، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). بر مبنای همین رویکرد، ایشان یکی از شرایط مهم دستیابی جامعه به تمدن را ایجاد فضای مناسب برای بیان آزادانه دیدگاه‌ها و انتقادهای افراد جامعه بر شمرده و بر این باور است که بدون فضای انتقادی سالم و بدون آزادی بیان و گفت‌وگوی آزاد، تولید علم و اندیشه دینی و در نتیجه جامعه پردازی و تمدن‌سازی ناممکن یا بسیار مشکل خواهد بود (خامنه ای، ۱۳۸۱/۱۱/۱۶).

به عقیده رهبری آزادی واقعی فکرها به پیشرفت کشور کمک می‌کند؛ و این با آزاداندیشیدن، آزادانه مطرح کردن، از جنجال نترسیدن و به تشویق و تحریض دیگران نگاه نکردن محقق می‌شود. باید بحث به صورت

درست، منطقی و تخصصی برگزار شود. کلامی را شنید، گفتاری را گفت و سپس نشست و فکر کرد. این همان دستور قرآن کریم است که « فَبَشِّرْ عِبَادِ \* الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ (زمر: ۱۷-۱۸) » (خامنه ای، ۱۳۸۸/۰۸/۰۶ و ۱۳۸۴/۰۸/۰۸)

## ۹. پیشرفت علمی

یکی از مهم‌ترین ابعاد و شاخص‌های رشد هر تمدن به دست آوردن جایگاه ویژه در حوزه علمی است. با هر تعریفی از تمدن، نقش علم در پیدایی و پایداری آن برجسته است. علم و دانش از عناصر ذاتی و پایه تمدن (خامنه ای، ۱۳۸۲/۰۲/۲۲)، و از مؤلفه‌های قدرت‌آفرین، قدرت‌ساز و استوارکننده کشورها در همه حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی فرهنگی، نظامی و امنیتی به‌شمار می‌رود. بنابراین، دارا بودن بنیه‌های علمی برای کشوری که ادعای تمدنی دارد، از لوازم اساسی شمرده می‌شود.

مقام معظم رهبری معتقد است در هر کشوری، شناسایی نیازها و تصمیم برای برطرف کردن آنها، تمدن‌ساز است و ابزار برطرف کردن این نیازها فکر و نیروی انسانی است و کلید اصلی هم علم و فناوری است (خامنه ای، ۱۳۸۵/۰۳/۲۵). از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای علم ارزش ذاتی دارد و جامعه صاحب علم را قدرتمند می‌سازد؛ از این‌رو، شرط لازم پیشرفت است (خامنه ای، ۱۳۷۸/۰۷/۱۹). بی‌تردید اگر جامعه‌ای نتواند در علم و فناوری پیشرفت کند، همواره به کشورهای قدرتمند وابسته خواهد بود.

شاخص‌های علمی مد نظر برای تمدن نوین اسلامی عبارت‌اند از:

**یک) تولید علم و شکستن مرزهای دانش:** در حرکت و پیشرفت علمی کشور مهم‌ترین اولویت تولید علم و جرئت برای گشودن افق‌های تازه و شکستن مرزهای علمی است (خامنه ای، ۱۳۸۳/۰۹/۲۶). همان‌گونه که در سده‌های گذشته تمدن اسلامی به برکت حرکت علمی جهش‌وار و تولید علم به‌وجود آمد، تمدن‌سازی نوین اسلامی هم در گرو تولید علم پدید خواهد آمد؛ به‌گونه‌ای که اگر تولید علمی از تمدن اسلامی جدا شود، نمی‌توان مدعی وجود پدیده‌ای به نام تمدن نوین اسلامی شد. به باور آیت‌الله خامنه‌ای موتور محرکه و راه‌حل حقیقی پیشرفت در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی رسیدن به قله یا مرز همه دانش‌ها و حتی عبور از این مرزهاست (خامنه ای، ۱۳۸۵/۰۱/۰۱). بر همین اساس، ایشان مجاهده علمی و شکستن مرزهای علم را چراغ راه تمدن اسلامی می‌داند (خامنه ای، ۱۳۸۳/۰۴/۰۱).

**دو) خودباوری و اجتهاد علمی:** بدون خودباوری علمی نمی‌توان به تولید علم رسید. برای تولید علم باید از تقلید علمی پرهیز کرد و اجتهاد و نوآوری داشت (خامنه ای، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹). نگاه اجتهادی به جنبه‌های زندگی انسانی مقدمه و پایه‌ای واجب و لازم برای تولید علم است. مقام معظم رهبری نگاه اجتهادی و عالمانه به عرصه‌های گوناگون، از علوم انسانی تا نظام آموزش و پرورش رسمی، و از اقتصاد و بانکداری تا تولید فنی و فناوری، و از رسانه‌های مدرن تا هنر و سینما، و تا روابط بین‌الملل و غیره را از لوازم مهم تمدن‌سازی می‌دانند (خامنه ای، ۱۳۹۲/۰۲/۰۹).

**سه) علم همراه با معنویت و اخلاق:** در تمدن نوین اسلامی، علم همراه معنویت و اخلاق است و این از شاخص‌های تمایز تمدن نوین اسلامی با تمدن غرب است (خامنه ای، ۱۳۷۶/۰۶/۱۹). به باور مقام معظم رهبری، ارزش علم به داشتن معنویت بستگی دارد و تمدن واقعی اسلامی تمدنی است که علم روز همراه با معنویت و دینداری و اخلاق در آن باشد (خامنه ای، ۱۳۸۰/۰۲/۱۲)؛ زیرا علم بدون معنویت همان چیزی می‌شود که اکنون تمدن غربی با آن روبه‌روست؛ تمدنی که با روش‌های پیچیده علمی توانست موفقیت‌های بزرگی به دست آورد، ولی به لحاظ معنویت و اخلاق دچار بزرگ‌ترین آسیب‌ها شد و نتیجه این شد که علم و پیشرفت تمدن مادی غرب در راه استعمار و استثمار ملت‌ها و به زیان بشریت به کار گرفته شد. خدای متعال پیغمبر را برای تعلیم و تزکیه فرستاد (بقره: ۱۲۹؛ جمعه: ۲؛ آل عمران: ۱۶۴)؛ بنابراین تعلیم تزکیه همراه یکدیگر و جایی ناپذیرند (خامنه ای، ۱۳۸۳/۰۷/۰۵). تأکید رهبر معظم انقلاب بر علم همراه با معنویت به علت این است که علم با خود قدرت می‌آورد و اگر این قدرت رها باشد، عامل فساد و فتنه‌انگیزی می‌شود (خامنه ای، ۱۳۸۵/۰۳/۲۵). برعکس زمانی که معنویت علم را فرماندهی کند، عامل سعادت می‌شود و در خدمت آرامش و امنیت بشریت قرار می‌گیرد (خامنه ای، ۱۳۹۰/۰۷/۱۳).

**چهار) توجه ویژه به علوم انسانی اسلامی:** تمدن سازی و تمدن ها دارای دو لایه سخت افزاری و نرم افزاری می باشند (خامنه ای، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳). علوم طبیعی متکفل بررسی لایه سخت آن و علوم انسانی متکفل تأمین مواد خام نرم افزاری آن می باشند. لذا در تمدن نوین اسلامی نیز نه تنها علوم دینی و اسلامی، بلکه همه علوم دارای شأن و ارزش هستند (خامنه ای، ۱۳۸۸/۰۷/۲۷؛ ۱۳۹۰/۰۱/۰۱)، ولی علوم انسانی جایگاه و نقش محوری دارند. از نظر مقام معظم رهبری علوم انسانی روح دانش است (خامنه ای، ۱۳۹۰/۰۷/۱۳). پیشرفت

جامعه به پیشرفت علم، و پیشرفت علم به پیشرفت فکر وابسته است؛ از این رو، مبدأ تحول، پیش از آنکه حاصل علم و تجربه باشد، حاصل فکر و اندیشه است و فکر و اندیشه حاصل علوم انسانی است.

علوم انسانی اسلامی لایه مهمی از محتوا و همچنین، مغزافزار تمدن نوین اسلامی را می‌سازند و به علت نقش علوم انسانی (به‌ویژه فقه، حقوق و اخلاق) در اعتلای سبک زندگی اسلامی (بخش حقیقی تمدن اسلامی) توجه ویژه به این علوم بسیار مهم است (خامنه ای، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳). از این رو، تا زمانی که علوم انسانی اسلامی گسترش و تعمیق نیافته باشد و یا در مرحله عینیت یافتگی قرار نگرفته باشد، گام نهادن در مسیر شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی امکان‌پذیر نیست (غلامی، ۱۳۹۶: ۵۶).

از لوازم حرکت در این مسیر، تولیدات تازه در علوم انسانی منطبق بر ایدئولوژی اسلامی و شرایط سرزمینی جهان اسلام است؛ که امروز از آن با عنوان «تحول علوم انسانی» یاد می‌شود. مقام معظم رهبری در بحث تحول در علوم انسانی بر این باور است: از آنجاکه علوم انسانی مدرن بر پایه ضدیت با دین تدوین شده است باید نسبت به آن حساس بود. تولید علوم انسانی با نگاه دینی با تولیدات علوم انسانی با نگاه غیردینی با همدیگر متفاوت و دارای آثار گوناگونی خواهد بود. به همین جهت ضروری است به تولید علوم انسانی براساس پایه و تفکر دینی و مبتنی بر جهان‌بینی اسلامی اقدام کرد (حسینی خامنه ای، ۱۳۸۹: ۳۵۰). ایشان در تولید علوم انسانی اسلامی بر استفاده از قرآن تأکید می‌کند و باور دارند: «پژوهشگران این حوزه باید به بیانات، ظرایف و نکات قرآنی و استخراج مبانی علوم انسانی از این کتاب الهی همت گمارند.» (حسینی خامنه ای، ۱۳۸۹: ۳۵۸)

## نتیجه گیری

نتایج تحقیق نشان می‌دهد:

۱. آیت الله خامنه ای شاخص‌هایی را برای تمدن نوین اسلامی ذکر کرده است که مهم‌ترین این شاخص‌ها عبارتند از: دین و ایمان، کرامت و عزت انسانها، مکارم اخلاقی، نظم و قانون‌مداری، اتحاد و انسجام، عدالت اجتماعی، آزادی، پیشرفت اقتصادی و پیشرفت علمی.
۲. بیشتر این شاخص‌ها در همه تمدن‌های مشترک است و تنها میزان توجه به آن متفاوت است. برجستگی یک شاخص یا شاخص‌های خاص در یک تمدن، برآمده از مبانی آن تمدن است که باعث می‌شود برخی مقوله‌ها مهم‌تر تلقی شوند و اساساً تفاوت تمدن‌ها نیز در همین رویکردهاست. در تمدن

غرب پیشرفت علمی و اقتصادی ملاک نخست است؛ حال آنکه در تمدن نوین اسلامی شاخص هایی مانند ایمان، اخلاق، عدالت، کرامت و عزت انسان ها مهم تر هستند که برگرفته از مبانی دینی به ویژه قرآن هستند و آیتالله خامنه ای نیز روی این شاخص ها تأکید بیشتری دارد.

۳. از آنجا که عمده شاخص هایی که آیت الله خامنه ای برای تمدن نوین اسلامی بر می شمارد، مبتنی بر آیات قرآن است می توان چنین برداشت کرد که اندیشه های قرآنی وی رویکرد تمدنی، کلان نگر و امت محور دارد.

### کتابنامه

۱. ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۶۶). مقدمه / ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران: علمی فرهنگی.
۲. بابایی، حبیب الله (۱۳۹۴). «عیار و اساس در اسلامی بودن تمدن»، فصلنامه نقد و نظر، سال بیستم، شماره چهارم، زمستان، ص ۳۱-۵۴.
۳. بابائی، حبیب اله (۱۳۹۶). «تنوع اسلامی در فرایند تمدنی»، فصلنامه نقد و نظر، شماره ۲۲، زمستان، ص ۴-۲۷.
۴. بابائی، حبیب اله (۱۳۹۶). نشست علمی «نظم اسلامی در فرایند تمدنی»، پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق، ۱۳۹۶/۱۱/۲۶.
۵. بابائی، حبیب اله (۱۴۰۰). «شاخص های تمدن (در دو رویکرد عرفی و قدسی)»، دوفصلنامه مطالعات سیاسی تمدن نوین اسلامی، دوره ۱، شماره ۲، زمستان، ص ۲۱۷-۲۵۲.
۶. بن نبی، مالک (۱۳۵۹). شبکه روابط اجتماعی، ترجمه جواد صالحی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۷. بهمنی، محمدرضا (۱۳۹۳). «تمدن نوین اسلامی در اندیشه آیت الله خامنه ای (چیستی و چگونگی تکامل تمدنی جمهوری اسلامی ایران)»، فصلنامه نقد و نظر، سال نوزدهم، شماره دوم، تابستان، ص ۱۹۸-۲۳۷.
۸. بیگدلی، عطاءالله (۱۳۹۶). تمدن شناسی، درآمدی بر ظهور و افول تمدن ها و وضعیت تمدن انقلاب اسلامی، تهران: بسیج دانشجویی دانشگاه امام صادق.
۹. جعفری تبریزی، محمدتقی (۱۳۹۶). فلسفه تاریخ و تمدن، تهران: موسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
۱۰. حسینی خامنه ای، سیدعلی (۱۳۸۹). منشور فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران، دبیرخانه شورای انقلاب فرهنگی.
۱۱. خامنه ای، سیدعلی، بیانات و سخنرانی ها، دسترسی در سایت Khamenei.ir

۱۲. خلیلیان اشکذری، محمدجمال و دیگران (۱۳۹۳)، *معیارها و شاخص های پیشرفت انسانی از دیدگاه اسلام*، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۳. خوانساری، جمال الدین محمد (۱۳۶۱). *شرح غرر الحکم و درر الکلم*، تصحیح میرجلال الدین حسینی ارموی، تهران: دانشگاه تهران.
۱۴. داوری اردکانی، رضا (۱۳۸۶). *درباره علم*، تهران: هرمس.
۱۵. درآمدی بر تفسیر تمدنی قرآن: *گفتارهایی از اندیشه ورزان قرآنی-تمدنی* (۱۴۰۳). به اهتمام نجمه نجم، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۶. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۹۰). *تراز حیات: ساختارشناسی عدالت در نهج البلاغه*، تهران: دریا.
۱۷. زمانی محبوب، حبیب (۱۳۹۵). «بایسته های سیاسی تمدن نوین اسلامی از دیدگاه امام خمینی»، *دوفصلنامه پژوهشهای سیاست اسلامی*، دوره ۴، شماره ۹، بهار و تابستان، ص ۱۳۵-۱۵۲.
۱۸. زمانی محبوب، حبیب (۱۴۰۳). «تمدن نوین اسلامی، راهبرد عبور از تمدن غرب»، *دوفصلنامه مطالعات سیاسی تمدن نوین اسلامی*، دوره ۴، شماره ۸، پاییز و زمستان، ص ۶۸-۹۱.
۱۹. سبحانی، محمدتقی (۱۳۸۶). «درآمدی بر جریان شناسی اندیشه دینی در ایران معاصر»، *فصلنامه نقد و نظر*، س ۱۲، شماره ۴۵-۴۶، بهار و تابستان.
۲۰. سعیدی روشن، محمدباقر (۱۳۹۳). «شاخص های تمدن اسلامی بر مبنای آموزه های قرآن کریم»، *فصلنامه آموزه های قرآنی*، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، شماره ۱۹، بهار و تابستان، ص ۶۱-۸۲.
۲۱. شفیعی، احمد (۱۳۸۸). «عدالت و پیشرفت گفتمان دهه چهارم انقلاب اسلامی»، *مجله پیام*، شماره ۹۴، بهار.
۲۲. صدری، احمد (۱۳۸۰). *مفهوم تمدن و لزوم احیای آن در علوم اجتماعی*، تهران: مرکز بین المللی گفتگوی تمدنها و هرمس.
۲۳. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۲). *قرآن در اسلام*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۴. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲۵. عبدالمحمدی، حسین (۱۳۹۱). *تساهل و تسامح از دیدگاه قرآن و اهل بیت*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۶. غلامی، رضا (۱۳۹۶). *فلسفه تمدن نوین اسلامی*، تهران: شرکت انتشارات سوره مهر.
۲۷. فاضل قانع، حمید (۱۳۹۶). *نوسازی تمدن اسلامی از دیدگاه مالک بن نبی*، قم: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۲۸. قنبری، آیت (۱۳۸۳). *نقدی بر اومانیزم و لیبرالیسم*، قم: فراز اندیشه.
۲۹. لک زایی، شریف (۱۳۸۴). «مناسبات آزادی و دانش»، *مجموعه مقالات درآمدی بر آزاداندیشی و نظریه پردازی در علوم دینی*، دفتر دوم، تهیه و تنظیم دبیرخانه نهضت آزاداندیشی و تولید علم حوزه علمیه، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.

۳۰. محسنی، طاهره (۱۳۹۹). «الزامات قرآنی تحقق تمدن نوین اسلامی دراندیشه مقام معظم رهبری»، دوفصلنامه مطالعات میان رشته ای تفسیر، سال دوم، شماره ۳، پاییز و زمستان، ص ۶۳-۷۹.
۳۱. مزلیش، بروس (۱۳۹۸). «خاستگاه ها و اهمیت مفهوم تمدن»، چیستی تمدن، ترجمه محمدحسین صالحی، جمعی از نویسندگان، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگی اسلامی.
۳۲. منصوری، جواد (۱۳۷۴). فرهنگ استقلال و توسعه، تهران: وزارت خارجه.